

فراتر از خبر

گفت‌وگو با سفیر سابق آمریکا در قطر؛ سرنوشت بحران با دیپلماسی رقم می‌خورد یا بمباران؟

الكس رثوف اوغلو

۲۳/تیر/۱۴۰۵



تشدید تنش‌ها بین ایران و آمریکا و ازسرگیری حملات نظامی آمریکا، به‌ویژه تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال محاصره دریایی علیه کشتی‌های ایرانی در تنگه هرمز، نگرانی‌ها درباره گسترش درگیری‌ها در منطقه و آینده دیپلماسی را افزایش داده است.

تیمی دیویس، سفیر پیشین آمریکا در قطر، در گفت‌وگو با راديو اروپای آزاد/راديو آزادی می‌گوید با وجود رویارویی نظامی، دیپلماسی همچنان تنها راه واقع‌بینانه برای خروج از این بحران است.

او می‌گوید توصیه‌اش به ناظران و تمام کسانی که خواهان پایان این بحران هستند، این است که بیش از تحرکات نظامی، به گفت‌وگوهای دیپلماتیک توجه کنند.

او همچنین توضیح می‌دهد که سیاست «نگهبان تنگه هرمز» در عمل چه معنایی دارد، کشورهای خلیج فارس چه نقشی می‌توانند ایفا کنند و در روزهای آینده باید به چه نشانه‌هایی توجه کرد.

- رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی: دونالد ترامپ دستور محاصره مجدد دریایی علیه ایران را صادر کرده و همزمان درگیری‌های نظامی میان آمریکا و ایران هم شدت گرفته است. با نگاهی کلی‌تر، روابط واشینگتن و تهران اکنون در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا هنوز مسیر واقع‌بینانه‌ای برای بازگشت به دیپلماسی وجود دارد؟

تیمی دیویس: به نظر من، تنها مسیر واقع‌بینانه بازگشت به دیپلماسی است. روند مذاکرات و وضعیت کنونی این درگیری نشان می‌دهد هر دو طرف در نهایت به دنبال دستیابی به نوعی توافق هستند که بتوانند با آن کنار بیایند.

هر روز روشن‌تر می‌شود که پایان این بحران مستلزم مصالحه از سوی هر دو طرف است. روشن است که آمریکا در مقطع کنونی از روند مذاکرات رضایت ندارد، اما نباید فراموش کرد که گفت‌وگوها، صرف‌نظر از آن‌چه در تنگه هرمز رخ می‌دهد، همچنان ادامه دارد.

تحولات تنگه هرمز بخشی از روند رسیدن به راه‌حلی برای این بحران است. بنابراین، فکر نمی‌کنم اکنون زمان ناامیدی باشد. البته در این مقطع، هر دو طرف باید با احتیاط عمل کنند و برای یکدیگر احترام قائل باشند. اما در نهایت، دیپلماسی تنها راه پایان دادن به این درگیری است.

- **آقای ترامپ گفته است آمریکا نقش «نگهبان تنگه هرمز» را بر عهده خواهد گرفت. این سیاست در عمل چه معنایی برای امنیت منطقه و آینده مذاکرات با ایران خواهد داشت؟**

این سؤال بسیار مهمی است، زیرا هنوز مشخص نیست این سیاست در عمل دقیقاً چه شکلی خواهد داشت.

هر وضعیتی در تنگه هرمز که مستلزم اقدام نظامی یا درگیری طولانی‌مدت باشد، پایدار نخواهد بود. کشورهای این منطقه نمی‌توانند با یک منازعه دائمی زندگی کنند؛ حتی اگر در چنین شرایطی بخشی از رفت‌وآمدهای تجاری نیز ادامه داشته باشد.

در نهایت، راه‌حل باید بازگشت جریان آزاد تجارت از طریق تنگه هرمز باشد. این آبراه یک گذرگاه بین‌المللی است و اصولاً نباید نیازی به «نگهبان» داشته باشد. اگر در کوتاه‌مدت اقدام نظامی موقتی لازم باشد، شاید قابل درک باشد؛ اما خواسته نهایی همه کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای خلیج فارس، این است که تجارت بدون بازرسی‌ها یا محدودیت‌های غیرضروری انجام شود.

- **رئیس‌جمهور آمریکا همچنین پیشنهاد کرده است برای محموله‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، عوارضی معادل ۲۰ درصد دریافت شود. آیا انتظار دارید برخی متحدان آمریکا از این عوارض معاف شوند یا این سیاست برای همه کشورهای یکسان خواهد بود؟**

باید به یاد داشت که اکنون در شرایطی کاملاً استثنایی قرار داریم. چیزی که نباید اتفاق بیفتد، ایجاد سابقه‌ای است که بر اساس آن استفاده از تنگه هرمز در بلندمدت مستلزم پرداخت مالیات یا عوارض باشد، زیرا چنین اقدامی بر اقتصاد جهانی تأثیر خواهد گذاشت.

صرف‌نظر از این‌که موضوع عوارض در نهایت چگونه پیش برود یا چه تصمیمی درباره معافیت‌ها گرفته شود، این‌ها راهکارهایی مربوط به شرایط فعلی هستند. در نهایت، همه کشورهای منطقه و جهان باید از جریان آزاد تجارت حمایت کنند. چه معافیتی وجود داشته باشد و چه نه، نباید سیستمی شکل بگیرد که در تجارت بین‌المللی میان کشورها تبعیض قائل شود.

نقش کشورهای خلیج فارس و نشانه‌هایی که باید دنبال کرد

- ایران حملات خود به مواضع آمریکا در کشورهای خلیج فارس را نیز افزایش داده است. تا چه اندازه نگران هستید که این وضعیت به یک جنگ گسترده منطقه‌ای تبدیل شود؟

طبیعتاً این احتمال همیشه باید موجب نگرانی باشد، اما در عین حال معتقدم این درگیری هنوز چارچوب نسبتاً مشخصی دارد و در نهایت، [بحران] ایران به محرکی برای تلاش‌ها در جهت برقراری صلحی پایدارتر در منطقه تبدیل شده است.

کشورهای منطقه تاکنون خویشتنداری قابل توجهی از خود نشان داده‌اند. همچنین اعتماد نسبتاً بالایی به توانایی آمریکا در اجرای عملیات نظامی کنونی وجود دارد. اگر رهبران منطقه بخواهند به‌طور مستقیم یا حتی غیرمستقیم وارد این جنگ شوند، واقعاً شگفت‌زده خواهم شد.

به همین دلیل، در حال حاضر احتمال گسترش این درگیری به یک جنگ منطقه‌ای را نسبتاً پایین می‌دانم. ارتباط و همکاری میان آمریکا و شرکای ایالات متحده در خلیج فارس همچنان قوی است و فعلاً نگرانی جدی از اشتباه محاسباتی وجود ندارد، هرچند باید این احتمال را همچنان زیر نظر داشت.

در عین حال، همان‌قدر که ارتباط میان آمریکا و کشورهای خلیج فارس اهمیت دارد، گفت‌وگو و هماهنگی میان خود کشورهای منطقه نیز حیاتی است تا هیچ سوءبرداشتی درباره مواضع یکدیگر ایجاد نشود. آخرین چیزی که منطقه به آن نیاز دارد، اختلاف میان همسایگان خلیج فارس بر سر نحوه واکنش به این بحران است.

- کشورهای خلیج فارس به‌ویژه قطر و دیگر بازیگران منطقه‌ای چه نقشی می‌توانند در کاهش تنش‌ها و زنده نگه داشتن مسیر دیپلماسی ایفا کنند؟

آن‌ها همین حالا هم نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ از میزبانی نیروهای آمریکایی گرفته تا تبادل اطلاعات، حفظ خویشتنداری و خودداری از واکنش‌های شتاب‌زده به حملات ایران. در نهایت، هر توافقی که از دل این بحران و مذاکرات آینده بیرون بیاید، اجرای آن بدون مشارکت کشورهای خلیج فارس ممکن نخواهد بود.

قطر به‌طور خاص تلاش بسیار زیادی برای مدیریت این بحران انجام می‌دهد. باید در نظر داشت که این کشور روابط نزدیکی با ایران دارد؛ میدان مشترک گازی دارند، همسایه یکدیگر هستند و هر روز برای نزدیک‌تر شدن به راه‌حلی برای این بحران تلاش می‌کنند. البته همه کشورهای خلیج فارس در اجرای هر توافقی که پس از پایان این درگیری حاصل شود، نقشی اساسی خواهند داشت.

- به‌نظر شما، راهبرد کنونی آمریکا اهرم تازه‌ای برای مذاکرات ایجاد کرده است یا احتمال می‌دهید تنش‌ها در آینده قابل پیش‌بینی همچنان بالا بماند؟

به‌نظر من، تا زمانی که به دستیابی به یک توافق از راه مذاکره نزدیک نشویم، تنش‌ها همچنان بالا خواهد ماند.

باید همه تحولات را در چارچوب کلی آن‌ها دید. در طول این بحران، بارها شاهد افزایش درگیری‌های نظامی بوده‌ایم و سپس، هم‌زمان با جدی‌تر شدن گفت‌وگوها، سطح تنش کاهش یافته است.

هر دو طرف تلاش می‌کنند موقعیت چانه‌زنی خود را تقویت کنند و آنچه امروز در تنگه هرمز می‌بینیم نیز بخشی از همین روند است. اما فکر می‌کنم همه باید آرامش خود را حفظ کنند، به‌ویژه زمانی که درباره برتری یک طرف بر طرف دیگر از طریق اقدامات نظامی صحبت می‌شود.

توصیه من این است که مردم بیش از هر چیز، گفت‌وگوها و آنچه را از دل این مذاکرات بیرون می‌آید دنبال کنند، نه صرفاً لفاظی‌های سیاسی پیرامون آن را. در پشت صحنه، گفت‌وگوهای جدی در جریان است. از آن‌جا که بارها شاهد فروپاشی آتش‌بس‌ها بوده‌ایم، شاید تا حدی نسبت به این واقعیت بی‌تفاوت شده باشیم.

در نهایت، چه یک طرف اهرم بیشتری داشته باشد و چه نداشته باشد، آنچه به این بحران پایان خواهد داد، مذاکرات جدی است.

● در پایان، در روزهای پیش رو به چه نشانه‌هایی توجه خواهید کرد تا بفهمید این بحران در مسیر دیپلماسی پیش می‌رود یا به سمت تشدید بیشتر تنش‌ها؟

مهم‌ترین چیزی که من دنبال می‌کنم و به دیگران هم توصیه می‌کنم دنبال کنند، این است که آیا هر دو طرف همچنان حاضر به ادامه گفت‌وگو هستند یا نه.

همچنین با دقت پیام‌ها و نشانه‌هایی را که از دوحه، اسلام‌آباد و دیگر پایتخت‌های کشورهای خلیج فارس منتشر می‌شود، زیر نظر خواهم گرفت. این کشورها نشانه‌های مهمی ارائه خواهند داد از این‌که اوضاع در چه مسیری حرکت می‌کند.

بعید می‌دانم تنها ظرف چند روز آینده راه‌حلی برای این بحران پیدا شود، اما احتمال می‌دهم طی روزهای پیش رو نشانه‌هایی ظاهر شود مبنی بر این‌که گفت‌وگو و مذاکره بار دیگر در مرکز تحولات قرار گرفته است.

وقتی مردم تصاویر بمباران‌ها در داخل ایران یا حملات ایران به کشتی‌ها را دنبال می‌کنند، خوب است به یاد داشته باشند که پیش از این نیز چنین وضعیت‌هایی را دیده‌ایم.

توصیه من به ناظران و به همه کسانی که خواهان پایان این بحران هستند، این است که بیش از تحرکات نظامی، به گفت‌وگوهای دیپلماتیک توجه کنند. در نهایت، پاسخ‌های واقعی از دل همان گفت‌وگوها بیرون خواهد آمد.

بیشتر در این باره:

کارافانو: بزرگ‌ترین خطر برای جمهوری اسلامی، نارضایتی‌ها است



این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

ایران